

رسوایی جدید پلیس سرکوبگر آمریکا



جنگ وحشیانه سیستم سرمایه داری علیه کارگران و زحمتکشان به مرحله ای از شدت خود رسیده است که گروگان گیری و شکنجه و سرکوب کودکان و جوانان طبقات محروم جامعه نیز به عملکرد روزمره طبقه حاکم تبدیل شده است. این واقعیت به کریه ترین شکل ممکن در آمریکا به مثابه اصطلاح "مهد آزادی" و "فرصتهای برابر" با برجستگی در رسانه های اجتماعی قابل رویت است. به عنوان مثال انتشار فیلم حمله وحشیانه چند مامور پلیس در شهر "روچستر"(*) به دختر ۹ ساله سیاهپوست-آمریکایی در ۲۹ ژانویه ۲۰۲۱ منجر به شعله ورت شدن خشم و کینه مردم آمریکا علیه پلیس و دولت این کشور شد و تجلی یکی از کثیف ترین شیوه های تنبیه وحشیانه فرودستان جامعه توسط پلیس طبقه سرمایه دار برای حفظ نظم لازمه سرمایه داری را بار دیگر در مقابل دید همگان قرار داد. در فیلم مزبور، ضجه های دلخراش دخترچه ای که پدرش را به کمک میطلبد و برخورد سرکوبگرانه افراد پلیس با این کودک، دل هر انسانی را به درد می آورد.

چگونگی دستگیری دخترچه بی پناه، با دوربین متصل به یونیفورم پلیس ضبط شده و اداره پلیس روچستر (در پی اعتراضات مردم که از واقعه مطلع شده بودند) مجبور به انتشار فیلم مزبور گشت. (**)

در این فیلم دیده میشود که چند نفر پلیس با وحشیگری به صورت دخترچه ای که به دستانش دستبند زده شده و روی صندلی عقب اتومبیل پلیس پرت میشود، اسپری فلفل می زنند. چند پلیس دیگر هم در کناری ایستاده و نظاره گر بی تفاوت این شکنجه هستند. حتی یکی از زنان پلیس هم به زور جلوی خنده اش را گرفته است.

همچنین در فیلم دیده میشود که هیچکدام از افراد پلیس که با چندین اتومبیل به محل اعزام شده اند، از مقررات اپیدمی کرونا پیروی نکرده و حتی ماسک هم نزنند. در فیلم میبینیم که یکی از افراد پلیس دخترچه را هل

میدهد و روی زمین پوشیده از برف می اندازد، سپس چند پلیس برای کنترل دخترچه که هنوز روی زمین افتاده، روی او مینشینند، او را روی شکم برمیکردانند و از پشت به او دستبند میزنند. سپس دو مامور پلیس، دخترچه را به زور روی صندلی عقب ماشین پرت میکنند و به صورتش اسپری فلفل می زنند. جالب است که هیچکدام از افراد پلیسی که در فیلم دیده میشوند، یعنی پرسنل نیرویی که در تبلیغات دولت به عنوان نیروی تامین "امنیت" و "سلامت" شهروندان از آنها نام برده می شود، از کودک وحشت زده دفاع نکرده و به او کمک نکردند.

در فیلم میبینیم که دخترک که صورت و چشمهایش در اثر اسپری فلفی میسوزد، شدیداً گریه میکند و پدرش را میخواهد. و نهایتاً صدای افسر پلیس را میشنویم که به دخترچه می گوید "داری مثل بچه ها رفتار میکنی" و دخترک پاسخ میدهد که برای اینکه "بچه هستم".!

پخش این فیلم در فضای مجازی بار دیگر منجر به شعله و تر شدن خشم توده های آگاه مردم آمریکا (و جهان) علیه پلیس آمریکا شد. اما رئیس پلیس از عملکرد این پلیسهای وحشی و بی عاطفه دفاع کرد و به افسرانی که در حمله به دخترچه نقش داشتند، مرخصی با حقوق داد. رئیس اتحادیه پلیس نیز با بی شرمی کامل در مورد این حمله وحشیانه اعلام کرد که "اگر پلیس مجبور به اعمال خشونت بیشتری می شد، دخترچه صدمه بیشتری میدید". این سخنان پلیس به این معنا است که پلیس برای ضرب و شتم وحشیانه تر و صدمه بیشتر زدن به این دخترچه، خود را برحق دانسته و میداند. این اظهارات رئیس اتحادیه پلیس بیانگر نگرش یک یا دو فرد و یا تنها پلیس آمریکا نیست، بلکه نگرش عمومی پلیس سرمایه داری علیه طبقات فرودست است که حال چنین وقیحانه علنا ابراز می شود.

سالانه ده ها هزار نفر در آمریکا قربانی خشونت پلیس می شوند و مردم آگاه این کشور همیشه علیه خشونت پلیس اعتراض کرده اند. اما پلیس همیشه با رها کردن سگهای خود به میان تظاهرات، و حمله به مردم با گاز اشک آور و گلوله های فلفل و باتوم ... و بازداشت و شکنجه مردم و در مواردی حتی با کشتن آنها، به اعتراضات برحق آنها پاسخ داده است.

این واقعیتهای شاخص روشنی برای نشان دادن درجه انحطاط و فلاکت فرهنگی - اخلاقی سیستم سرمایه داری و طبقه حاکم در این کشور امپریالیستی است. شاید برای برخی از مردم باور کردنی نباشد که عده ای جنایتکار، بخشی از نیروی پلیس را در آمریکا تشکیل میدهند؛ اما این واقعیتی است که نه تنها در آمریکا بلکه در دیگر کشورهای سرمایه داری جهان هم دیده می شود. روشن است که آنچه در فیلم مزبور میبینیم اولین و آخرین حمله وحشیانه و ضد انسانی پلیس آمریکا علیه کودکان و مردم آمریکا نبوده است.

به عنوان مثال، در شهر آرورا ایالت کلرادو، سه پلیس بر پشت جوانی ۲۳ ساله به نام آلائی جاکس کلین می نشینند. با اینکه این جوان ناله می کرده که نمی تواند نفس بکشد اما پلیسهای قسی القلب توجه ای به این امر نمی کنند. در نتیجه جوان مزبور بیهوش می شود. سپس ماموران پزشکی برای به هوش آوردن وی با تزریق دواهای بسیار قوی با مقدار زیاد که برای جسم ضعیف او مرگ آور بود شرایط مرگ وی را تسهیل می کنند. این در شرایطی است که هیچ کس هنوز صحنه به قتل رسیدن "جورج فلویید" توسط پلیس در ۲۵ ماه مه (۲۰۲۰)، در حالی که زیر زانوی پلیس التماس میکرد "نمیتوانم نفس بکشم. خواهش میکنم مرا نکشید، نمیتوانم نفس بکشم" را فراموش نکرده است.

با بالا گرفتن اعتراضات مردمی نسبت به برخورد وحشیانه پلیس با یک کودک، شهردار شهر "روچستر" (که آفریقایی-آمریکایی است) به زعم خود تلاش کرد که با اخراج رئیس پلیس و چند مقام دیگر شهر و جایگزین کردن

آنها با افراد آفریقایی-آمریکایی، رفرمهایی انجام داده و مردم معترض را وادار به سکوت کند. دولت محلی "روچستر" نیز در ادامه اینگونه رفرمهای توخالی، یک به اصطلاح "هیئت پاسخگویی پلیس" برای بررسی شکایات مردم از پلیس ایجاد کرد. اما با نگاهی به بیانیه مدیر اجرایی هیئت مزبور در مورد وحشیگری پلیس علیه دختر مزبور، میتوان ناتوانی اجرایی و ماهیت ضدمردمی آن و اساساً مسخره بودن چنین بند و بست های رفرمیستی را به روشنی مشاهده کرد. در بیانیه مزبور گفته شده که "هیئت پاسخگویی پلیس، قادر به برگزاری جلسات انضباطی برای پلیسهای مجرم نیست". واقعیت این است که سالهاست که سوءاستفاده از مسائل نژادی، ملیتی و یا جنسیتی برای فریب دادن توده های مردم، که به خودی خود عملی ارتجاعی و ضدمردمی و تحمیق کننده است، به یکی از شیوه های دولت آمریکا در تلاش برای کنترل خشم و اعتراضات مردمی علیه خشونت پلیس تبدیل شده است.

یکی دیگر از رفرمهای توخالی دولت آمریکا برای به اصطلاح کنترل و کاهش خشونت پلیس، نصب اجباری دوربین به یونیفرم پلیس بوده است. اما ما میبینیم که نیروهای پلیس با اینکه میدانند این دوربینها روی یونیفرمشان نصب شده، بدون اینکه ترسی از مجازات داشته باشند، کماکان به اعمال خشونتهای وحشیانه علیه مردم دست میزنند. در نتیجه، این واقعیت ثابت میشود که نصب این دوربینها هم موجب ممانعت از خشونت پلیس نشده و نخواهد شد. صرف نظر از این اصلاحات ظاهری، پلیس سرکوبگر آمریکا با عملکردهایش ثابت کرده که به مثابه نوکر وفادار و حافظ منافع طبقه حاکم و نیروی سرکوب آن علیه طبقات محروم جامعه، برای انجام وظایف خود که اساس آن، پاسداری از نظم مورد نظر طبقه حاکم و اعمال خشونت و شکنجه مردم در جهت حفظ منافع طبقه سرمایه دار است، بدرستی آموزش دیده و نمی توان انتظار داشت از این روشها و رفتار دست بکشد. پلیس آمریکا بارها و از جمله در جریان سرکوب وحشیانه مردم در تظاهرات علیه خشونت پلیس در طول سال ۲۰۰۰ (در سراسر کشور، در شهرها و ایالت های تحت حاکمیت حزب دموکرات و حزب جمهوری خواه) نشان داده، که نیروی پلیس بازوی سرکوبگر دولتی و مجری قوانین طبقاتی علیه کارگران و دیگر فرودستان است و اعمال خشونت وحشیانه، حتی علیه کودکان و جوانان اساساً جزء جدایی ناپذیر سیاستهای دولت آمریکا (و همه دیگر دولتهای سرمایه داری) میباشد که توسط پلیس و دیگر عمال رژیم اجرا می شود.

دولت سرمایه داری با حاکم کردن جو رعب و وحشت در جامعه (از جمله، از طریق اعمال خشونت وحشیانه علیه کودکان و جوانان طبقه کارگر) از یک طرف به سرکوب طبقه کارگر از طریق سرکوب جسمی و روحی و روانی نسل جوان آن طبقه میپردازد، و از طرف دیگر با تحمیل نظم و انضباط قهر آمیز طبقاتی بر جوانان و کودکان طبقات محروم جامعه، افشار ناآگاه سرکوب شدگان را به گونه ای تربیت کرده و رشد و پرورش میدهد که بخشی از خود آنان را به مجریان همان دستگاه های سرکوبگر تبدیل کند. به عنوان مثال، در دوران حاکمیت فاشیسم بر آلمان، از طریق تعلیمات خشونت آمیز بود که میلیون ها جوان آلمانی به سربازان و مجریان رژیم فاشیستی هیتلر تبدیل شدند. در شرایط کنونی، طبقه حاکم بر آمریکا نیز از طریق رواج و نمایش وحشیگری و جنگ و اعدام و سربریدن و ... در رسانه ها، و از طریق حاکم کردن فرهنگ خشونت و ظلم و ستم طبقاتی-نژادی، تلاش میکند که علاوه بر سرکوب کارگران و زحمتکشانشان، افشار ناآگاه را نیز به سربازان و مجریان سیاستهای امپریالیستی آن کشور تبدیل کند.

واقعیت این است که کودکان و جوانان طبقه کارگر در چنگال سیستم سرمایه داری، این هیولای سودجو اسیر هستند. بخصوص پس از یازده سپتامبر، پلیس آمریکا تحت آموزشهای نظامی ای قرار گرفت که مقابله با نوجوانان و کودکان (با برچسب "شورشگر") بخشی از آن آموزشهای نظامی بوده است. طبقه کارگر و توده های

مردم آگاه آمریکا میدانند که در صورت عدم مبارزه برای نابودی این هیولای دهشتناک، در آینده بعید نیست که در حیات رومره خود با روشهای نوین و هر چه خشن تر طبقه حاکم و ماشین سرکوب آن روبرو گردند.

مردم آگاه آمریکا میدانند که فقط با سرنگون کردن انقلابی جامعه طبقاتی و ایجاد جوامع کاملاً آزاد و برابر (جامعه ای سوسیالیستی) به رهبری طبقه کارگر انقلابی، میتوان سلامت اقتصادی، روحی و جسمی همه افراد توده های مردم را مهیا کرد و از جذب و قربانی شدن کودکان در شبکه های جرم و جنایت نیز جلوگیری نمود. آنها میدانند که مشکل برخوردهای وحشیانه ماشین سرکوب با مردم، صرفاً وجود افراد روانی و تبهکار و راسیست در میان عمال دولت و نیروهای پلیس - که در جای خود، واقعیتی انکار ناپذیر است - نمی باشد بلکه این شرایط خشونت بار و سرکوبگرانه کنونی امری نهادینه شده در نیروهای سرکوب طبقه حاکم بوده و محصول سیستم سرمایه داری و نیاز آن می باشد؛ سیستمی که جامعه ای شدیداً طبقاتی و نابرابری ایجاد کرده که در آن ثروت هنگفت حاصل از دسترنج کارگران و زحمتکشانشان به زور سرکوب و شکنجه از آنها غصب شده و در دستهای غارتگران طبقه حاکم انباشته می گردد و شکاف طبقاتی وحشتناک بین اقلیت مفت خور حاکم و اکثریت عظیم آحاد فرودست جامعه که از این مناسبات حاصل شده و هیچ توجیه منطقی ای هم برای آن وجود ندارد هر روز عمق بیشتری می یابد. نابرابری و تبعیضی که منبع اصلی تولید نارضایتی و خشونت در جامعه و نیاز حاکمان به سرکوب قهری آن می باشد.

تشدید سرکوب و خشونت دستگاه های سرکوب طبقه حاکم علیه کارگران و زحمتکشانشان و کودکان و جوانان آنها، یکی از نتایج و پیامدهای ناشی از نیاز توسعه نظام سرمایه داری و گسترش جنگها و تقسیم امپریالیستی جهان بخصوص طی چند دهه گذشته است.

افراد و گروه هایی که وانمود میکنند که می توان مشکلات اقتصادی-سیاسی-اجتماعی موجود را بدون نابود کردن انقلابی سیستم سرمایه داری و جایگزینی آن با سوسیالیسم، رفع کرد، عملاً در جهت حفظ همین سیستم گام بر می دارند. جامعه ای که در آن سرمایه و ثروت سه فرد بیش از درآمد نیمی از جمعیت کشور است، قادر به حل هیچ یک از مشکلات بزرگ پیش روی بشر نیست و تنها زمینه های بروز نارضایتی و خشونت در میان طبقات استثمار شده و محروم را بازتولید می کند. تجربه نشان داده که هر پاسخی که سیستم سرمایه داری به بحرانهای اقتصادی-اجتماعی میدهد، خود بحران افزا و در دراز مدت نابودکننده است. گسترش بحرانهای اقتصادی-اجتماعی (از جنگ سرمایه داری و افزایش خشونت پلیس علیه مردم و کودکان و جوانانشان در داخل همین سیستم گرفته تا شرایط کنونی ناشی از برخورد سودجویانه سرمایه داری با بحران اپیدمی کرونا) اثبات می کند که ایجاد و گسترش جنبش انقلابی-طبقاتی-سیاسی-توده ای به رهبری طبقه کارگر جهت رهایی از این وضع ضرورت فوری یافته است.

در شرایطی که سرمایه داری در حال جنگی تمام عیار علیه کارگران و زحمتکشانشان است، تنها راه نجات بشریت که در معرض خطر نابودی است، مبارزه انقلابی به رهبری طبقه کارگر آگاه و سازمان یافته برای نابودی سیستم سرمایه داری و ایجاد سوسیالیسم بر ویرانه های آن است.

مردم آگاه آمریکا میدانند که مبارزه واقعی علیه خشونت پلیس، مستلزم بسیج توده ای طبقه کارگر، جوانان آگاه و دیگر محرومان جامعه به شکل یک نیروی اجتماعی متحد و مستقل از دولت، علیه نظام سرمایه داری است. آنها میدانند که در این راه باید همه تلاشهای طبقه حاکم برای ایجاد تفرقه میان محرومان و اختلاف انداختن بین کارگر و دانشجو، سیاه و سفید، زن و مرد، شهروند و مهاجر و ... را بی تاثیر کنند.

بهمن ۱۳۹۹

زیرنویس ها:

(*) بیش از ۳۱ درصد جمعیت شهر "روچستر" در ایالت نیویورک در زیر خط فقر به سر میبرند. "روچستر" یکی از محرومترین شهرهای فقیرنشین ایالت نیویورک در آمریکا است.

(**) در لینک زیر میتوانید فیلم این واقعه را ببینید. این فیلم حاوی صحنه گریه و زاری های دلخراش دخترچه ایست که در چنگال نیروی پلیس وحشی اسیر گشته است.

<https://www.youtube.com/watch?v=iphOWjHUFWQ>